

چون سیاهکل آغاز خواهد شد

همه چیز از جنگل آغاز شد
تا سیاهی شب دریده شود
حریم ، حرم امنیت و ثبات
با سرب داغ به مصاف کشیده شد

خواندند در شبانگاهان تلخ
عشق را و آزادی را
بی هیچ هراسی از مرگ
سینه در برابر گلوله قرار دادند
و چیتگر و اوین را آبیاری نمودند

هنگامی که رمیدگان و در یوزه گان
این یله داده گان در برهوت
تنها تیرگی ننگ را
بر تارک پیشانیشان نقش زده بودند
و بر دروازه دهانشان یاس و سرخوردگی
تاری از نا امیدی تنیده بود

همه چیز از جنگل آغاز شد
از حیات سازمان عشق
از سیاهکل آغاز
و با زبانه آتش قهرش
هزاران هزار شراره
هزاران هزار ستاره
سر برآستان عشق نهاد
و با رود خروش کارخانه
به دریای قیام بهمن پیوست

اما دریغ و درد ، درد ، درد و درد
که در یک قیام سترون
نوزاد آزمایشگاهی سرمایه
بر سریر قدرت خزید و باز
سینه ها در برابر رگبار قرار گرفت
سفره ها خالی خالی تر
و انبانه‌های پر زر مملوتر

دیگر چیتگر همه دردها را در خود نبلعید
چرا که اینبار گورستانی
به وسعت تمام ایران را شیار دادند

وباز هم ناز پرورده گان طبقاتی
از هرسوی برای این کودک ارمغانی فرستادن ،
از بذل جنگل سیاهکل
تا سینه بریان دانش آموزودانشجوو کارگر
شاید هم تمهیدی برای بقایشان
ورویای نگهدار ، فرخ فتح قلعه آرزوهایشان گردید
عبث رویائی که هنوز درد را نشناخته
درمان را نشناخته و منتظر دمیدن گل در کویر
رویای کودکی خود را به بازی گرفتند

دیگر بس است برای همیشه بس است
رود راه خود را می جوید وجنگل جای خود
دوباره آغاز خواهد شد ، از خانه ها
کارخانه ها از دانشگاه از درون قلب مردم
از گورهای جمعی از خاورانها
هزاران درخت تناور جنگل را
به بزم خواهند نشست اینبار هم آغاز خواهدشد

همانطور که از جنگل آغاز شد
همانطور که از سیاهکل آغاز شد

محمود خلیلی
۱۶ بهمن ۱۳۸۵